

Globalization and world-class universities

Esmaeil Kavousi ¹

Abstract

In modern days overall development of each countries is proportional to the amount of science production and its adoption and extension. in other words development is proportional to society's ability in managing of science. so if we accept and believe that the development of a society depends to production, application and extension of science, then we should endeavor with an detailed planning and national decision and institutionalize the science management in the society. in modern days the issue of internationalization is a crucial disturbance for higher education institutes. The increasing importance of this phenomena in higher education is because of institutes and national government's trend to change the higher education's environment. in fact according to economic, political and technological changes the higher education's environment is changed and due to this fact the internationalization of higher education institutes became a necessity. Due to increasing changes of world, the effective international goals, meanings and strategies in internationalization of higher education are changing too. in this article we tried to specify areas, necessities, consequences and challenges of internationalization of higher education in the era of globalization. our method was cross-sectional and the article written with citation to librarial studies.

Keywords: internationalization, graduate system, globalization, areas, consequences, challenges.

1. Associate professor, Islamic azad Univercity, Tehran North branch.

چالش‌های فرا روی بین‌المللی شدن نظام آموزش عالی در عصر جهانی شدن اسماعیل کاووسی^۱

چکیده:

در دنیای امروز توسعه همه جانبه یک کشور متناسب با میزان تولید علم، بکارگیری و ترویج آن و یا به عبارت دیگر متناسب با توانمندی جامعه در مدیریت علم و دانش است. بنابراین اگر بپذیریم و اعتقاد داشته باشیم که توسعه یک جامعه به تولید، بکارگیری و ترویج علم و دانش بستگی دارد، باید با یک برنامه ریزی دقیق و عزم ملی تلاش کنیم و مدیریت علم و دانش را در جامعه نهادینه نماییم. در عصر کنونی، مقوله‌ی بین‌المللی شدن برای مؤسسات آموزش عالی یک دل‌مشغولی محوری به حساب می‌آید. افزایش اهمیت این پدیده در آموزش عالی، برگرفته از تفکر مؤسسات و دولت‌های ملی است که بر تغییر محیط آموزش عالی تأکید می‌کنند. در حقیقت با توجه به تغییرات اقتصادی، سیاسی و فناوری، محیط برای آموزش عالی تغییر کرده است و این امر منجر به افزایش اهمیت و لزوم بین‌المللی شدن برای مؤسسات آموزش عالی گشته است. بین‌المللی شدن آموزش عالی، فرآیندی پویاست که به طور مستمر در حال تغییر شکل است. با توجه به تغییرات روزافزون همه‌جانبه‌ی جهانی، اهداف، معانی و استراتژی‌های بین‌المللی مؤثر در بین‌المللی شدن آموزش عالی نیز در حال تغییر است. مقاله‌ی حاضر درصدد تبیین زمینه‌ها، ضرورت‌ها، پیامدها و چالش‌های

۱. عضو هیأت علمی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال،

بین‌المللی شدن نظام آموزش عالی در عصر جهانی شدن می‌باشد. روش پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

کلید واژه‌ها: بین‌المللی شدن، نظام آموزش عالی، جهانی شدن، زمینه‌ها، ضرورت‌ها، پیامدها و چالش‌ها

مقدمه:

نام دانشگاه در جوامع انسانی با انباشتگی علم، تحقیق و فرهنگ مترادف است. دانشگاه پدیده‌ای اجتماعی-تاریخی است که در شرایط خاص پدید می‌آید و ضمن آن که از آن شرایط تاثیر می‌پذیرد بر آن نیز تاثیر می‌گذارد. از جمله شرایطی که شکل‌گیری و ظهور نهاد دانشگاه را ایجاب می‌کند، گام نهادن جامعه در مسیر توسعه و احساس نیاز به نیروی انسانی ماهر جهت رفع کاستی‌ها در عرصه علم و تخصص و اداره روند توسعه است. وقتی جامعه‌ای عزم به توسعه دارد، دانشگاه با تاثیر پذیری از روند عمومی کشور با تامین نیروی انسانی لازم، کنش‌گری خود را اثبات می‌کند. (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۲)

امروزه با رواج فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، آموزش عالی بیش از پیش به سمت یکپارچگی، پیش‌روی رود از سوی دیگر، فرایندهای جهانی شدن منجر به شکل‌گیری «اجتماع علمی جهانی» شده است (اسکات، ۱۹۹۸). این سخن به معنای آن نیست که نظام‌های ملی آموزش عالی به تدریج تضعیف شده و یا از بین می‌روند بلکه بالعکس، شواهدی تجربی نشان از آن دارد که رشد فرایندهای جهانی شدن و مخصوصاً اهمیت یافتن بیشتر نقش علم در توسعه‌ی ملی جوامع، باعث شده که علم و دانشگاه به صورت ملی و حتی محلی، سازمان یافته‌تر و گسترده‌تر شده و در عین حال، روابط درونی میان دانشگاه‌ها نیز گسترش یافته و از نظر جهانی نیز، دانشگاه‌های ملی و منطقه‌ای با حفظ شرایط و معیارهای درونی و منطقه‌ای هرچه بیشتر به هم پیوسته‌تر و مرتبط‌تر شوند. با ظهور پدیده‌ی جهانی شدن آموزش عالی، همکاری‌های علمی بین‌المللی بین دانشگاه‌ها

و مؤسسات آموزش عالی جهت کاهش و حذف فاصله‌ی دانش و فناوری و نیز تقویت مبادلات علمی، آموزشی و فرهنگی در بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها، آغاز شده است. به طور کلی، پاسخ‌گویی به نیازهای گسترده‌ی جهانی، آموزش عالی را به نهادی کلیدی برای جوامع مدرن و در حال توسعه تبدیل کرده است و تغییرات سریع اقتصادی، اجتماعی و فناورانه، ماهیت زندگی و مشاغل افراد را تحت تأثیر قرار داده است. افراد برای رویارویی با این تغییرات، باید به طور مداوم در حال یادگیری و بازآموزی باشند و این ویژگی‌ها در عصر حاضر موجب گشته تا دائماً بر تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی افزوده شود.

دانشگاه‌ها در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته به طور فزاینده‌ای برای بین‌المللی کردن آموزش عالی فعالیت می‌کنند. فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها از نظر حجم، دامنه و پیچیدگی به شکل گسترده‌ای در طول دو دهه‌ی گذشته توسعه پیدا کرده است. این فعالیت‌ها از برنامه‌های تحصیل در خارج از کشور، اجازه به دانشجویان برای یادگیری دربار‌های سایر فرهنگ‌ها تا فراهم کردن دسترسی به آموزش عالی در کشورهایی که مراکز آموزشی آن‌ها توانایی پاسخگویی به تقاضاها را ندارند، متفاوت می‌باشد. سایر فعالیت‌ها نیز بر تقویت مهارت‌های بین‌المللی دانشجویان، ارتقاء برنامه‌های زبان‌های خارجی و ایجاد فهم و درک لازم از ماهیت فرهنگ‌های گوناگون تمرکز داشته است (آلتباچ و نایت، ۲۰۰۷).

بین‌المللی شدن آموزش عالی در کشورهای در بیشتر کشورهای در حال توسعه دارای قدمت زیادی نیست، در واقع می‌توان آن را تحولی تازه در این کشورها به حساب آورد. این کشورها میزبان بخش کوچکی از دانشجویان بین‌المللی هستند. این کشورها به منظور بهبود کیفیت و ترکیب فرهنگی بدنه‌ی دانشجویی، به دست آوردن شهرت و اعتبار و کسب درآمد در پی جذب دانشجویان بین‌المللی هستند. به عنوان مثال، هندوستان و فیلیپین از جمله مهم‌ترین میزبان دانشجویان از سایر کشورهای در حال توسعه هستند. هندوستان

بیش از ۸۰۰۰ دانشجوی خارجی دارد که بیش از ۹۵ درصد آن‌ها از کشورهای در حال توسعه‌اند. چین، مالزی و هند در حال تدوین راهبردهایی برای جذب دانشجویان، صدور برنامه‌ها و مؤسسات آموزشی خود هستند.

می‌توان اذعان داشت که نوآوری‌های مربوط به آموزش عالی بین‌المللی تقریباً در هر کشوری وجود دارد ولی کشورهای که درصد بالایی از مردم آن‌ها به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و تاحدود کمتری کشورهای بزرگ‌تر در امارات متحده عربی در این زمینه خدمات بیشتری را ارائه می‌دهند. این خدمات شامل جریان دانشجویان بین‌المللی، امتیاز به برنامه‌های علمی است که ارائه‌دهندگان خارجی عرضه می‌کنند، اعتباربخشی بین‌المللی، تضمین کیفیت و کنترل نمودن شرکاء در توافق‌های دو طرفه می‌باشد. این کشورها سودهای مالی عمده‌ای برداشت کرده و بیشتر برنامه‌ها را تحت کنترل دارند. خریداران این خدمات، کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین با درآمد متوسط و تاحدود کمتری ملت‌های فقیرتر کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که ظرفیت لازم برای پاسخ‌گویی به درخواست‌های روزافزون آموزش عالی را ندارند؛ لذا بزرگ‌ترین بازارها مربوط به برنامه‌هایی است که امکان دسترسی را برای دانشجویانی که به شیوه‌ای دیگر در مؤسسات آموزش عالی پذیرفته نشده‌اند فراهم می‌سازند. به‌علاوه سیاست‌های دولتی در مورد گروه‌های نژادی خاص نیز بر روی میزان درخواست‌ها تأثیر گذارند. اعتبار و شهرت کمتر مؤسسات آموزش عالی در داخل کشور، بیشترین علت درخواست دانشجویان برای جذب شدن به مؤسسات خارجی است. مؤسسات خارجی نیز همواره در پی کسب سود هستند که این کار را از طریق پیوند با مؤسسات داخلی اعم از دولتی یا خصوصی و یا تأسیس شعبه‌های فرعی خود در این کشورها انجام می‌دهند. برای نمونه اخیراً مؤسسات آموزش عالی سطح بالای اروپایی و آمریکایی شعبه‌های فرعی خود را در کشورهای سنگاپور و قطر باز کرده‌اند. برنامه‌های منتهی به مدرک این دانشگاه‌ها ممکن است به موجب مطالعه در دانشکده‌های داخلی و یا مطالعه در یک کشور دیگر باشد. بنابراین بازار نوآوری‌های مربوط به آموزش عالی بین‌المللی در طیفی از دانشجویانی که در کشور خود نمی‌توانند به آموزش عالی دسترسی پیدا کنند و برای آن به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند تا دانشجویانی که با هدف نخبه‌شدن در پی برنامه‌هایی با کیفیت بالا هستند

قرار می‌گیرد. بخش دیگر بازار را دانشجویانی در مقطع کارشناسی تشکیل می‌دهند که در پی تجربه‌ی علمی با فرهنگی در آن سوی مرزها هستند (آلتباچ و نایت، ۲۰۰۷).

بنابراین با توجه به اینکه در هزاره سوم رویکرد بین‌المللی و جهانی شدن آموزش عالی بصورت رویکردی غالب درآمده اند نژاد جدیدی از دانشگاه‌ها ظهور کرده اند که می‌توانند نقش مهمی در توسعه پایدار و همه‌جانبه ایفا کنند. ظهور جامعه هوشمند، حاکمیت فرهنگ شبکه‌ای^۱ و پیدایش دانشگاه‌های فرا نوبین، چالش‌ها و مأموریت‌های جدید را برای آموزش عالی به طور اعم و دانشگاه‌ها به طور اخص ایجاد کرده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- پاسخگویی مناسب دانشگاه‌ها به حاکمیت فرهنگ شبکه‌ای با حفظ هویت‌های معنوی و نظام ارزشهای اسلامی.
- پرکردن شکاف رو به گسترش فناوری جدید با نسل جدید.
- صورت بندی^۲ اشکال زندگی در چهارچوب عصر اطلاعات و ارتباطات.
- پاسخگویی مناسب در استفاده از بازار وسیع و گسترده علمی و هوشمند جهان.
- رقابت علمی با نهادهای آموزشی، پژوهشی و فناوری موازی.
- پاسخگویی سریع و آنی به تقاضاهای متنوع، متکثر و متلون اقتصاد روز.
- پاسخگویی به انتظارات جدید سازمان‌های جهانی نظیر سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، یونسکو و سایر سازمان‌های بین‌المللی در تامین نیازهای مربوط به جهانی و بین‌المللی شدن و...
- استفاده بهینه از پتانسیل‌ها و خلق ظرفیت‌های مشترک جدید.
- ایجاد کسب و کار الکترونیکی.

1. netocracy

2. Formulation

- پاسخگویی به روش‌های جدید یاددهی و یادگیری تعاملی هوشمند.
- افزایش سهم کشورهای مسلمان در تولید دانش، پژوهش و فناوری در سطح جهانی و ... (قورچیان، ۱۳۸۳، ۵)

بنابراین با مهندسی مجدد دانشگاه‌ها و تبیین نقش آنان در توسعه کشور می‌توان راهبردها و چارچوبهای تازه‌ای برای توسعه پایدار ارائه نمود و با شناخت کاستی‌ها و نقایص در جهت بهبود و ارتقاء فرهنگی نسل جوان گام برداریم.

جهانی شدن

جهانی شدن، نخستین بار در سال ۱۹۶۱ بود که به عنوان یک واژه، وارد لغت‌نامه‌ها شد (شولته به نقل از معروفی، ۱۳۸۴: ۵۵۳) سپس از اواسط دهه ۱۹۸۰ وارد محافل آکادمیک شد (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۶) و محل بحث‌ها و گفته‌های متفاوتی قرار گرفت (ماتسی، ۲۰۰۵). مفهوم مذکور همانند سایر مفاهیم موجود در علوم انسانی از تعریفی واحد که مورد قبول همگان باشد، برخوردار نیست و هر پژوهشگری آن را با توجه به حیطه و دامنه‌ی پژوهشی خود، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

جهانی شدن واژه‌ای برای توصیف جامعه‌ی نوظهور جهانی می‌باشد که در آن، رویدادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در یک نقطه از جهان به سرعت تأثیرات مهمی بر مردم سایر نقاط جهان می‌گذارد به علاوه جهانی شدن، نتیجه‌ی پیشرفت در نهادهای ارتباطی، حمل و نقل و اطلاعات می‌باشد (دایره‌المعارف انکارتا، ۲۰۰۶).

جهانی شدن، جنبه‌ای از پدیده‌ی بزرگ‌تر یعنی مدرنیسم است که بر اساس آن می‌توان جامعه را با ویژگی رشد فزاینده و پیچیدگی در ارتباطات، توصیف نمود (چارلتون و آندارس، ۲۰۰۶). این پدیده بر دو مفهوم محوری: زمان و

-
1. Robertson
 2. Matsi
 3. encarta encyclopedia
 4. Charlton & Andras

فضا مبتنی است؛ در واقع، جهانی‌شدن، تجربه‌ی متفاوتی از زمان و فضا و یا به عبارتی «فشردگی زمان و مکان» است. از این رو، آغاز فرآیند فشردگی زمان و فضا، آغاز فرآیند جهانی‌شدن می‌باشد که در دهه‌های اخیر شتاب خارق‌العاده‌تری گرفته است (هاروی، ۱۹۹۰).

رابرتسون (۱۹۹۲) جامعه‌شناس انگلیسی که نظریه‌ی جهانی‌شدن با نام و اندیشه‌ی وی قرین است، جهانی‌شدن را فشردگی جهان و تشدید آگاهی جهانی به عنوان یک کل، معنا می‌کند (رابرتسون، ۱۹۹۲). وی در اثر خود با عنوان «جهانی‌شدن، فرهنگ جهانی و اشارت‌های نظم جهانی»، جهانی‌شدن را مجموعه فرآیندهایی تلقی می‌کند که به پیدایش جهانی واحد، منتهی خواهد شد. جوامع در همه‌ی جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود به طور متقابل به یکدیگر وابسته خواهند شد و دورنمای این وابستگی‌های متقابل نیز جهانی‌شدن واقعی جامعه‌ی بشری، خواهد بود (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

مارگینسون (۲۰۰۸) معتقد است: جهانی‌شدن به معنای گسترش، عمق و سرعت یافتن ارتباطات جهانی می‌باشد بنابراین موج جهانی فقط شامل مسائل اقتصادی نمی‌شود بلکه هم‌چنین در آموزش، پرورش، مردم، ارتباطات، دانش، عقاید، فناوری‌ها، سیاست‌ها و اقدامات سازمانی، تجلی می‌یابد (مارگینسون، ۲۰۰۸).

در مجموع، جهانی‌شدن دارای معنای وسیعی است که جلوه‌های متعددی را در بر می‌گیرد و در واقع مجموعه‌ای از فرآیندها می‌باشد که رویدادها، تصمیمات و فعالیت‌هایی را که در یک نقطه از جهان رخ می‌دهد، به بخش‌های دیگر انعکاس می‌دهد و منجر به تأثیراتی در سایر جوامع گردیده و در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انسان‌ها، نقش مرزهای جغرافیایی به حداقل کاهش می‌یابد. در این رهگذر، منافع یکایک مردم و کشورها، بیش از پیش در منافع تمام مردم و تمام کشورهای جهان به هم گره خواهد خورد و محیط یگانه‌ای را برای کلیه کشورهای جهان به وجود می‌آورد که در آن پیوندهای بین‌المللی به حداکثر خواهد رسید.

جهانی شدن و آموزش عالی

نقطه‌ی کانونی در جهانی شدن آموزش عالی موضوع رقابت است. توان رقابت‌پذیری^۱ در تمامی قلمروهای حیات اجتماعی جوامع امروز به یکی از مهم‌ترین روندهای شکل‌دهنده به آینده بدل شده است. آموزش عالی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه از این قاعده مستثنی نیست. در کنار نقشی که نهاد آموزش در انسان‌سازی، تمدن‌سازی و شکل‌دهی به حیات فرهنگی آدمیان دارد هم‌چنین اهمیت این نهاد بر حسب نقش کلیدی آن در دست‌یابی به ارزش‌افزوده در بخش‌های مختلف اجتماعی شامل بخش‌های تولیدی و خدماتی مورد توجه است. از این‌رو، نهاد آموزش متأثر از قوانین جهان شمول رقابت‌پذیری برای حفظ بقا و اثربخشی ناگذیر از رویارویی هوشمندانه با روندها و رویدادهای پیشرو و اتخاذ رویکردی فوق‌فعال^۲ شده است.

جهانی شدن ناظر بر نیروهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که باعث شده است آموزش عالی در قرن بیست و یک به سوی بین‌المللی شدن بیشتر پیش برده شود. برای نخستین بار در تاریخ شاهد سرمایه‌گذاری‌های جهانی در صنایع دانش‌بنیان شامل آموزش عالی و آموزش پیشرفته هستیم. این سرمایه‌گذاری‌ها بازتاب‌دهنده‌ی ظهور جامعه دانش‌بنیان، افزایش بخش خدمات و وابستگی اغلب جوامع به تولیدات دانش‌بنیان و افراد دارای تحصیلات عالی برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی است. نتایج جهانی شدن شامل ادغام پژوهش، استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان رایج ارتباطات علمی، رشد بازار کار بین‌المللی برای پژوهش‌گران و دانشمندان و رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات است. از همین‌رو، آلتباچ و نایت استدلال می‌کنند که این فرآیند غیرقابل تغییر است (آلتباچ و نایت، ۲۰۰۷).

در عرصه‌ی آموزش عالی، مطابق رویکردهای موافق جهانی شدن چنین استدلال می‌شود که جهانی شدن در کنار توسعه‌ی مستقل جوامع علمی به منظور دست‌یابی به نفع بیشتر برای همه، همکاری‌ها و تعاملات بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را تسهیل می‌کند. جهانی شدن هم‌چنین باعث تشدید

1. competitiveness
2. proactive

رقابت میان دانشگاه‌ها و در نتیجه افزایش کیفیت و بهبود استانداردهای دانشگاهی می‌شود. هم‌زمان برخی سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی هم‌چون: برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، یونسکو، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و بانک جهانی پیامدهای منفی جهانی شدن از قبیل: افزایش نابرابری و حاشیه‌نشینی به خاطر اختلاف طبقاتی، شکاف دیجیتالی و دسترسی نابرابر به آموزش عالی، فرار مغزها، فقدان چارچوب ارزشیابی بین‌المللی و شفاف نبودن حقوق مالکیت معنوی را مورد توجه قرار می‌دهند.

طی ده سال گذشته به وضوح می‌توان مفهوم درهم‌تنیدگی^۱ عمیق و وسیعی را در مؤسسات آموزش عالی در اقصی نقاط دنیا دید. دانشگاه‌ها دانشی که تولید می‌کنند، اعضای هیأت علمی شاغل در دانشگاه‌ها و دانشجویانی که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، همگی با اقتصاد جهانی دانش بنیان پیوند مستقیم و نزدیکی دارند. اتفاقاتی که در مؤسسات آموزش عالی جهان رخ می‌دهد پیامدهایی در خارج از محیط خود به همراه داد. رتبه‌بندی‌های بین‌المللی که طی دهه‌ی گذشته اهمیت بسیاری پیدا کرده، مصداق مهمی در تأیید این مطلب است که دانشگاه دیگر در خلأ و یا حتی در بافت محلی و ملی به سر نمی‌برند بلکه در یک سپهر جهانی قرار دارند. بر همین اساس به عقیده‌ی آلتباچ و همکاران (۲۰۰۹)، طی یک دهه‌ی گذشته یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های آموزش عالی همه‌گیر شدن آن در تمامی سطوح آموزش عالی در اطراف جهان است که علاوه بر تأثیرگذاری بر یکایک مؤسسات آموزش عالی بر مناطق، کشورها و نظام‌های آموزش عالی آن‌ها نیز تأثیرگذار است (آلتباچ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۷).

جهانی‌شدن آموزش عالی با دو گروه حامیان و مخالفان مواجه است. حامیان آموزش عالی جهانی، چنین استدلال می‌کنند؛ جهانی‌شدن به تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی، کمک کرده است. همراه با جهانی‌شدن اقتصاد و نیاز دولت‌ها به شرکت‌های اقتصادی قابل رقابت در عرصه‌ی جهانی، دولت‌ها نیازمند آن شده‌اند که پژوهش‌های کاربردی را افزایش داده و از این طریق، به مزیت رقابتی صنایع در رقابت‌های جهانی، کمک نمایند. به همین خاطر است

که بودجه‌ی پژوهش‌های نرم‌تر علوم اجتماعی و انسانی، در حال کاهش است. از دلایل حامیان آموزش عالی جهانی می‌توان به زمینه‌هایی چون امکان جذب بدنه‌ی دانشجویی بانشاط‌تر چندملیتی، دسترسی جغرافیایی و طبقاتی وسیع‌تر به آموزش عالی (به خصوص برای کشورهای در حال توسعه فاقد ظرفیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به تقاضای بالای آموزش عالی)، امکان‌پذیری انتقال دانش در حد معیارهای جهانی به مخاطبان وسیع‌تر، تدریس برنامه‌ی درسی گسترده‌تر بین‌المللی، احتمال کاهش هزینه‌ها و ظهور شرکت‌های خصوصی رقابتی برای حذف سوبسیدهای دولتی، اشاره نمود (کینگ، ۲۰۰۴: ۲۲). از سوی دیگر مخالفان این روند، معتقدند: عدم توجه به پژوهش‌های بنیادین، باعث کاهش؛ انرژی، بنیه‌ی علمی و خلاقیت لازم برای ادامه تحقیقات کاربردی شده و آن‌چنان که در گزارش شورای تحقیقات علوم فیزیک و مهندسی بریتانیا آمده؛ «همکاری بسیار نزدیک دانشگاه‌ها با صنعت، احتمالاً موجب تحدید خلاقیت پژوهشگران پایه شده است» (همان: ۲۲). مخالفان در عین حال بر این باورند: احتمال غلبه‌ی فرهنگی غرب وجود دارد زیرا تقریباً همواره زبان انگلیسی به کار گرفته می‌شود هم‌چنین برنامه‌ی درسی ضدتعلیمی، دانش‌جومحوری و استفاده‌ی فراوان از انواع مثال‌ها و الگوهای غربی نیز در این‌جا مشهود است به علاوه ظرفیت بالای کشورهای غربی برای تولید انواع محتوای برای دانشگاه‌های مجازی، احتمال وقوع نوعی «امپریالیسم محتوایی» را افزایش خواهد داد زیرا کشورهای در حال توسعه، تبدیل به مصرف‌کننده‌ی صرف منابع خارجی خواهند شد (آکار، ۲۰۱۰).

به طور کلی روندهای تأثیر جهانی‌شدن بر آموزش عالی را می‌توان شامل مواردی چون: ۱. ایجاد سیستم جهانی ناهمسان؛ ۲. آموزش عالی پیوسته موضوع قوانین، خدمات و تجارت جهانی است؛ ۳. دانشجویان، اساتید و پژوهشگران پیوسته از کشورهای فقیر به کشورهای غنی‌تر مهاجرت می‌کنند؛ ۴. آموزش عالی پیوسته تحت نفوذ سازمان‌های بین‌المللی است؛ ۵. تقاضا برای آموزش عالی پیوسته در حال افزایش می‌باشد؛ ۶. آموزش عالی جهانی با ویژگی افزایش رقابت برای دانشجویان، نیرو، سرمایه و منابع متمایز می‌گردد و ۷. دانشگاه‌ها

-
1. King
 2. Akar

پیوسته به موضوع تربیت شهروند جهانی تأکید می‌کنند (مارینگ و فسکت، ۲۰۱۰: ۳۱۰).

بین‌المللی شدن آموزش عالی

اصطلاحی که اغلب به طور اشتباه مترادف با جهانی شدن به کار گرفته می‌شود، واژه «بین‌المللی شدن» است. واژه‌ی مذکور در سال‌های بعد از دهه‌ی ۱۹۸۰ پا به عرصه‌ی گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی گذاشته است و در مدت کوتاهی جزو فراگفتمان‌های عصر قرار گرفته و خود را در صدر مباحث سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهان جای داده است. بین‌المللی شدن به معنای قلمرو زدایی و از میان برداشتن مرزها و مشخصه‌های جغرافیایی است. به باور عده‌ای از دانشمندان در روند و پروسه‌ی بین‌المللی شدن فشرده‌گی زمان و مکان مطرح است به تعبیر ساده مرگ فاصله‌ها می‌باشد و هر فردی از هر گوشه جهان می‌تواند در اندک زمانی به دورترین مکان سفر نماید (میکائیل و ژولیان، ۲۰۰۹).

نایت (۱۹۹۷) بین دو مفهوم جهانی شدن و بین‌المللی شدن تمایز قائل شده است. به زعم وی، جهانی شدن مفهومی ایدئولوژیکی می‌باشد که به تأثیر فناوری‌های ارتباطی جدید، سیاست‌های جهانی و تأثیرات آن‌ها بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست در جهان اشاره دارد، در حالی که بین‌المللی شدن راهبرد و سیاست انتخابی است که دولت‌ها برای مواجهه و بهره‌برداری مناسب از فرآیندهای جهانی شدن به کار می‌گیرند (نایت، ۱۹۹۷). اسکات (۱۹۹۸) نیز، جهانی شدن و بین‌المللی شدن آموزش عالی را دو مفهوم متفاوت می‌داند به طوری که بین‌المللی شدن وجود و حضور دولت-ملت‌ها را مفروض و قطعی می‌پندارد، در حالی که جهانی شدن فرآیندی در جهت کاهش حضور و اقتدار دولت-ملت‌هاست و بین‌المللی شدن بحثی در حیطه‌ی دیپلماسی و فرهنگ است، در حالی که جهانی شدن مفهومی مرتبط با نظام سرمایه و گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی است (اسکات، ۱۹۹۸).

1. Maringe & Foskett
2. internationalization
3. Michael & Julian

بین‌المللی شدن آموزش عالی معنای مختلف دارد، به طوری که سیاست‌گذاران بر روی اهداف استراتژیک، مدرسان بر روی مباحث تعلیم و تربیتی و مدیران نیز بر روی موضوع‌های عملیاتی تمرکز می‌کنند (استیر^۱، ۲۰۰۴). بین‌المللی شدن آموزش عالی، به عنوان فرآیند یکپارچگی در جنبه‌های بین‌المللی در سطح دانشکده یا دانشگاه، تعریف شده است (الینگبو^۲، ۱۹۹۸).

بین‌المللی شدن آموزش عالی، به معنای فرآیند تلفیق ابعاد بین‌المللی، بین فرهنگی و جهانی به درون اهداف، عملکردها و اجرای آموزش عالی به شکلی است که احترام به تفاوت‌های فرهنگی و سنت‌های گوناگون را ارتقا بخشد (بستروم^۳، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، بین‌المللی شدن آموزش عالی، فرآیند آماده‌سازی جوامع برای مشارکت موفقیت‌آمیز در جهان وابسته به هم است. لذا عاملی مؤثر در پرورش فهم جهانی و توسعه‌ی روش‌های بهبود کار و زندگی مؤثر در جوامع چندفرهنگی به حساب می‌آید (تاگارت و کوک^۴، ۲۰۰۳).

نایت (۲۰۰۶) در تعریف بین‌المللی شدن چنین بیان می‌دارد: «بین‌المللی‌سازی در سطح ملی، بخشی و مؤسسه‌ای به عنوان فرآیند تلفیق و یکپارچه‌سازی یک جنبه‌ی بین‌المللی، میان فرهنگی و جهانی به درون هدف، عملکرد و اجرای آموزش عالی است. منظور از جنبه‌ی بین‌المللی، دیدگاه، فعالیت و خدماتی است که چشم‌اندازی بین‌المللی، میان فرهنگی و جهانی را به درون عملکردهای عمده‌ی یک مؤسسه‌ی آموزشی وارد می‌کند. به عقیده‌ی وی، بین‌المللی‌سازی فرآیندی هدفمند و پویاست که بر روش ساخت دانش تأثیر گذاشته و نظام‌مند است. این موضوع موجب تغییر تار و پود فرهنگ دانشگاه می‌شود (شیلر^۵، ۲۰۰۶). این پدیده دربردارنده‌ی دو فرآیند گسترده: بین‌المللی شدن در داخل^۶ و بین‌المللی شدن در خارج^۷ از کشور، در عمل می‌باشد. بین‌المللی شدن

-
1. Stier
 2. Ellingboe
 3. Bostrom
 4. Taggart & Cook
 5. Shailer
 6. internationalization at home"
 7. "internationalization abroad

در درون مرزهای ملی، معمولاً شامل استراتژی‌ها و رویکردهای طراحی شده برای تزریق یک بعد بین‌الملل به تجربه‌ی پردیس داخلی (محوطه‌ی دانشگاه) مانند: اضافه کردن دیدگاه‌های جهانی و تطبیقی در برنامه‌ی درسی یا استخدام اساتید، دانشجویان و محققان بین‌المللی و اعمال نفوذ حضور آنها در پردیس (محوطه‌ی دانشگاه). بین‌المللی کردن در خارج از مرزهای ملی؛ فراخوانی یک مؤسسه برای پروژه‌ی خود و سهام‌داران آن در جهان، مثال کلیدی در این زمینه فرستادن دانشجویان برای تحصیل در خارج از کشور، تأسیس شعبه‌هایی از پردیس‌های دانشگاهی در خارج از مرزهای یک کشور و یا مشارکت دادن دانشگاه در طرح‌های تحقیقاتی فرامؤسسه‌ای می‌باشد (نایت، ۲۰۰۴).

زمینه‌ها و ضرورت‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی

برخی شواهد و زمینه‌های بین‌المللی شدن در آموزش عالی عبارتند از:

۱. اینترنت و پست الکترونیکی، ماهیت ارتباطات را متحول نموده و بخش عظیمی از دانش را در فضای سایبر (شبکه‌ای) قرار داده و زمان و فاصله، دیگر نمی‌توانند مانع گسترش دانش و برقراری ارتباطات باشند.

۲. دانشگاهیان امروزه بیش از گذشته، مسافرت می‌کنند، کنفرانس‌های بین‌المللی بیش از هر زمان دیگر برگزار می‌شود و دانشگاهیان، فرصت‌ها و موقعیت‌های بیشتری را برای ملاقات با هم‌تایان خود در سراسر عالم دارند (اسکات، ۱۹۹۸).

۳. پیوندها، تشکل‌ها و شبکه‌های ارتباطی میان دانشگاهیان، هر روز در حال افزایش است و شبکه‌های چند بعدی و چندگانه‌ی تحقیقاتی دانشگاهیان در سراسر جهان، گسترش یافته است.

۴. فعالیت‌های گروهی پژوهش‌گران و انتشار کتاب‌ها و مقالات گروهی رو به فزونی است و دیگر آن تصور، دانشمند و نویسنده‌ی گوشه‌نشین و منزوی، در حال منسوخ شدن است.

۵. نظام‌های آموزش عالی بیش از پیش، استاندارد شده و با معیارهای بین‌المللی،

تطبیق داده شده است (دلانتی، ۲۰۰۱).

۶. در حال حاضر تعداد اساتید و دانشجویانی که حداقل به یک زبان خارجی، می‌توانند صحبت کنند در حال افزایش است (همان: ۱۹۷-۱۹۶).

۷. دانش فراملیتی در حال تحقق است. این امر در سیاست‌های علمی اروپا به وضوح قابل مشاهده است. اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی تحقیقات، سرمایه‌گذاری می‌کند و هزینه‌های پژوهشی را می‌پردازد. برعکس بخش‌های وسیعی در صنعت، تنها حوزه‌ای که در آن، جهانی شدن به نحو وسع پدیدار شده، حوزه تولید دانش است. جریان جهانی اطلاعات و داده‌ها، جزو جدا نشدنی اقتصاد اطلاعاتی در حال ظهور است. در بخش تولید دانش، جهانی شدن بیشترین تأثیر را بر آموزش عالی گذاشته زیرا دانشگاه‌ها به طور موفقیت‌آمیزی خود را به عنوان تولیدکنندگان دانش، دست اول ساخته و به عنوان برترین جایگاه پژوهش، شناخته شده‌اند (اسکات، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

۸. نه تنها مدرسان و استادان، بلکه سیروسفر دانشجویان نیز، افزایش یافته و تعداد دانشجویان خارجی در جهان، در حال افزایش است. این دانشجویان نه تنها از کشورهای در حال توسعه بلکه از کشورهای توسعه یافته نیز به کشورهای دیگر، می‌روند (اسکات، ۱۹۹۸). کشورهایی که تعداد کمی دانشجوی خارجی دارند، سیاست‌های ملی جدیدی را برای افزایش تبادل دانشجویان، اتخاذ می‌کنند. بدون تردید جابجایی دانشجو از بخشی از نظام آموزش عالی به بخش دیگر، انجام می‌شود و حتی در حال افزایش است و این مسأله، احتمالاً در آینده آن قدر افزایش می‌یابد که شاخصی از جهانی شدن آموزش عالی در مرحله‌ی نخست، به شمار خواهد رفت.

عمده‌ترین ضرورت‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی در سطح ملی و منطقه‌ای شامل: افزایش رقابت علمی، فناوری و اقتصادی؛ افزایش همکاری و مشارکت بین‌المللی؛ ایجاد پیوستگی و همبستگی راهبری در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و تجاری؛ ظرفیت‌سازی منابع انسانی در کشور؛ آگاهی و درک فرهنگی گسترده؛ کمک به اولویت‌ها و یکپارچه‌سازی منطقه؛ پاسخ‌گویی به علائق مؤسسات آموزش عالی برای بین‌المللی شدن؛ ایجاد اعتبار و شهرت برای مؤسسات آموزش عالی؛ انجام تحلیل مقایسه‌ای راهبردهای بین‌المللی

شدن آموزش عالی؛ توسعه‌ی تحقیق و ظرفیت‌سازی تولید علم و دانش در بخش آموزش عالی؛ استفاده از بین‌المللی شدن به عنوان ابزاری برای افزایش نوآوری و کیفیت؛ افزایش شبکه‌سازی و مشارکت‌های بین‌المللی و حمایت از مؤسسات آموزش عالی جهت تلفیق جنبه‌ی بین‌المللی به درون فرآیندهای تدریس، پژوهش و خدمات هستند. در سطح مؤسسه‌ای نیز ضرورت‌های بین‌المللی‌سازی آموزش عالی شامل: توسعه و متنوع‌سازی منابع انسانی (اعم از اساتید و دانشجویان)؛ ایجاد نیم‌رخ و کسب اعتبار و شهرت برای مؤسسات آموزش عالی؛ تقویت تحقیق و ظرفیت‌سازی برای تولید علم و دانش؛ افزایش دانش بین‌المللی و درک میان فرهنگی اساتید و دانشجویان؛ کمک به تضمین کیفیت علم و فناوری و تنوع‌بخشی به درآمدزایی در مؤسسات آموزش عالی می‌باشند (نایت، ۲۰۰۶).

پیامدهای بین‌المللی شدن نظام آموزش عالی

بین‌المللی شدن آموزش عالی دارای پیامدهای مثبت فراوانی است که از جمله می‌توان به مواردی چون: گسترش مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی (گرانزویگ و رینهارت، ۲۰۰۲)، آموزش شهروند جهانی (دویت، ۲۰۰۲)، افزایش زمینه‌های مطالعاتی (لیسک، ۲۰۰۴)، انتقال فناوری، تقویت روابط دیپلماتیک (ترمبلی، ۲۰۰۵)، فراهم شدن فرصت برای جذب نخبگان خارجی، افزایش همکاری‌های بین‌المللی، گسترش تحقیقات و تولیدات علمی، بهره‌وری اقتصادی و منافع مالی (نایت، ۲۰۰۶) اشاره نمود. با این حال در کنار این مزایا خطراتی نظیر: تعارض بین نقش دانشگاه به عنوان سازمان سیاسی و ملی (کر، ۱۹۹۰)، تهدیدی برای فرار نخبگان (آلتباچ و تیچلر، ۲۰۰۱)، تضعیف قوانین مهاجرت (ترمبلی، ۲۰۰۵)، رقابت بین دانشکده و گروه‌های آموزشی برای

1. Grunzweig & Rinehart
2. DeWit
3. Leask
4. Tremblay
5. Kerr
6. Teichler

منابع مالی و انسانی (اتن، ۲۰۰۳)، یکسان‌سازی برنامه‌های درسی، افراط در کاربرد زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزشی و تجاری‌سازی برنامه‌های درسی (نایت، ۲۰۰۶) از پیامدهای منفی این پدیده به شمار می‌آیند. جدول ۱ وضعیت آموزش عالی در فرآیند بین‌المللی شدن در جامعه‌ی دانشی و اطلاعاتی را نشان می‌دهد که به وضوح بیانگر پیامدهای بین‌المللی شدن نظام آموزش عالی است.

مفهوم	جامعه‌ی دانشی در پارادایم بین‌المللی شدن	جامعه‌ی اطلاعاتی در پارادایم بین‌المللی شدن
رویکردهای آموزش و یادگیری	<ul style="list-style-type: none"> • آزادی علمی • تفکر خلاق و نقاد • دگراندیشی • تأکید بر تنوع و تکثر • کالای عمومی • اخلاق و منش آکادمیک • آموزش دانشجوی محور • آموزش مبتنی بر پژوهش 	<ul style="list-style-type: none"> • علم در اختیار بازار صنعت (کاربردی) • تفکر کاربردی و سودجویانه • پافشاری بر همسان‌سازی و یکسان‌اندیشی • استانداردهای • کالای خصوصی • اخلاق و منش بازار • مهارت‌آموزی • آموزش مبتنی بر فناوری
تعهدات اجتماعی و فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> • همکنشی اجتماعی در عرصه‌ی جهانی • انسجام اجتماعی • حفظ محیط زیست، سلامت و بهداشت • تنوع و تکثر فرهنگی • انسان‌اندیشمند • گفتگوی تمدن‌ها • آزادی‌های بنیادی 	<ul style="list-style-type: none"> • کنش فردی و ابزاری • رقابت اقتصادی • تلاش برای افزایش رشد و بهره‌وری • یکسان‌سازی و همسان‌سازی فرهنگی • انسان اقتصادی • تخصص تمدن‌ها • آزادی‌های اقتصادی
دانشجو	<ul style="list-style-type: none"> • بازیگر عرصه‌ی دانش و ذی‌نفع آن • یادگیرنده، پرسش‌گر • خلاق، نقاد و توانمند • توسعه‌ی تمامیت فردی • رهبران آینده‌ی جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> • مشتری و صاحب سرمایه • ماهر و کارآمد • توسعه‌ی مهارت‌های فنی فردی • کارگران آینده‌بازار
استاد	<ul style="list-style-type: none"> • عامل و واسطه و تولید دانش • در جستجوی حقیقت و زندگی • همراه و در کنار دانشجو 	<ul style="list-style-type: none"> • مقاطعه‌ی کار و دلال دانش • در جستجوی بنگاه و پول • همراه و در کنار سرمایه‌دار
دانشگاه	<ul style="list-style-type: none"> • نهاد عمومی در خدمت جامعه و جهان 	<ul style="list-style-type: none"> • نهاد خصوصی در خدمت بازار و تولید سود
آموزش عالی	<ul style="list-style-type: none"> • کالای عمومی • برای جامعه‌پذیری و خدمات اجتماعی • در مسیر منافع ملی و جهانی • قابلیت توسعه‌پذیری • ابزاری برای ایجاد عدالت اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> • کالای خصوصی • برای به دست آوردن شغل • در مسیر منافع بنگاه • قابلیت گسترش‌پذیری • ابزاری برای ایجاد رقابت بی‌رحمانه‌ی اقتصادی
عرصه‌ی کنش جهانی	<ul style="list-style-type: none"> • هم‌کنشی آزاد نهادهای علمی در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی 	<ul style="list-style-type: none"> • آزادی کنش‌گران نوین فراهم‌کننده‌ی آموزش عالی

استقلال نهادی	<ul style="list-style-type: none"> • دانشگاه بسان خرد متفصل جامعه و برخوردار از استقلال نهادی 	<ul style="list-style-type: none"> • دانشگاه بسان کارگزار (کارآفرین) بازار و صنعت، مستقل از نهادهای بخش عمومی، در اتیقاد بخش خصوصی
تنوع بخشی به منابع مالی	<ul style="list-style-type: none"> • بهره‌گیری از سرمایه‌های خیرخواهانه و غیرانتفاعی 	<ul style="list-style-type: none"> • شرکتی شدن، تجاری‌سازی دانش و آموزش، همراهی با شرکت‌های تأمین آموزش عالی و غیره و غیره
رقابت پذیری	<ul style="list-style-type: none"> • در نوآوری در اندیشه 	<ul style="list-style-type: none"> • در عرصه‌ی تولید سود و کسب درآمد و به گونه‌ای بی-رحمانه
مدیریت اثربخش	<ul style="list-style-type: none"> • مشارکتی، ادهوکرانیک و آشوب‌ناک 	<ul style="list-style-type: none"> • دیوان‌سالار، پافشاری بر دانش کاربردی و کنش ابزاری
استانداردسازی	<ul style="list-style-type: none"> • بر مبنای ارزش‌های مشترک جهانی؛ زندگی بهتر، حفظ محیط زیست و غیره 	<ul style="list-style-type: none"> • بر مبنای ارزش‌های بازار، پول، سود بیشتر، درآمد بیشتر
بین‌المللی شدن	<ul style="list-style-type: none"> • گردش آزاد اطلاعات • افزایش توان تحرک دانشجو و استاد • افزایش همکاری‌های علمی و پژوهشی • دستیابی برابر به اطلاعات • افزایش تنوع جنسیتی، قومی، نژادی، فرهنگی و ملیتی 	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد پردیس‌های مجازی برای کسب درآمد • جرخش اطلاعات بر مبنای کسب سود بیشتر • همکاری علمی در راستای کسب منافع • دانش در اختیار کسی است که بپای آن را می‌پردازد • تنوع در چگونگی عرضه به ویژه به صورت فرامرزی
خصوصی‌سازی	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش عالی • افزایش رقابت‌پذیری در عرصه‌ی کیفیت • افزایش استقلال و آزادی آکادمیک • افزایش دسترسی برابر به آموزش عالی • برخورداری از منابع ملی و جهانی در جهت تولید کالای عمومی • افزایش گستره‌ی آزاداندیشی و نوگراندیشی 	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش نقش سرمایه در آموزش عالی • کاهش نقش بخش عمومی بسان نماینده‌ی مردم • کالایی و تجاری‌سازی آموزش عالی • تلقی آموزش عالی بسان کالای خصوصی • کاهش قلمرو ملی آموزش عالی • گسترش عرصه‌ی کنش کنش‌گران نوین برای ارائه‌ی آموزش برای کسب سود • افزایش دسترسی طبقات برخوردار و نابرابر
آزادسازی، تمرکززدایی و مقررات‌زدایی	<ul style="list-style-type: none"> • رهایی از چنبره‌ی انقیاد دیوان‌سالاری حکومتی • تصمیم‌گیری مشارکتی و هم‌کشانه • سیاست‌زدایی از قلمرو تولید دانش • رهایی از مقررات دست‌وپاگیر بخش عمومی • افزایش گستره‌ی استقلال و آزادی آکادمیک • بهره‌گیری از تمامی توان بالقوه‌ی ملی و بین‌المللی 	<ul style="list-style-type: none"> • تلاش برای همسان‌سازی و استانداردسازی آموزش عالی بر اساس رویکرد نئولیبرال • هموارسازی مسیر گسترش آموزش عالی انتفاعی • کاهش نقش ملت - دولت‌ها در نظام آموزش عالی • سوق دادن نظای آموزش عالی به سوی کنش ابزاری • آموزش نیروی کار مورد نیاز جهان سرمایه‌داری

جدول ۱؛ وضعیت کنونی آموزش عالی در فرآیند بین‌المللی شدن در جامعه‌ی دانشی و اطلاعاتی
منبع: (جاودانی، ۲۹۳۱: ۶۲۱-۵۲۱).

رسالت‌های آموزش عالی در ایران

در کشور ما رسالت‌های آموزش عالی با توجه به شرایط محیطی داخلی و بین‌المللی به دلایلی که در زیر اشاره می‌شود عمدتاً بر دوش آموزش عالی دولتی است و حمایت و کنترل اجتناب‌ناپذیر دولت را می‌طلبد. اهم رسالت‌های

آموزش عالی عبارت‌اند از:

۱. تربیت و توسعه منابع نیروی انسانی مورد نیاز برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه؛ بر طبق اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی این وظیفه بر عهده دولت است؛ البته در متن قانون «فراهم آوردن تسهیلات آموزش عالی رایگان تا سر حد خودکفایی» قید شده است که امری نسبی است و جای تفسیر و تأمل دارد. اگر نزدیک شدن به شاخص‌های پذیرفته شده توسعه اقتصادی را معیار قرار دهیم، بررسی‌های تطبیقی موجود نشان می‌دهد ایران به عنوان یک کشور در حال گذار، هنوز فاصله زیادی با میانگین بین‌المللی و حتی بسیاری از کشورهای در حال رشد دارد؛ به ویژه از نظر شاخص‌های کمی و کیفی آموزش عالی، کشور ما در مراتب پایین قرار دارد (نورشاهی، ۱۳۷۴، ۱۶)؛

۲. ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی و پاسخگویی به تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی؛ این رسالت نیز بر طبق اصل ۳۰ قانون اساسی بر عهده دولت است ولی در این زمینه مشارکت بخش غیر دولتی، مشابه آنچه در سطح بین‌المللی متداول است، می‌تواند بسیار موثر باشد. در صدر آموزش عالی غیر دولتی، عمدتاً دانشگاه آزاد اسلامی در ایران - در حال حاضر - سهم ۵۰ درصدی، در حد بالاترین‌های بین‌المللی است و افزایش بیش از حد این نسبت با اصل حفظ کیفیت در تعارض قرار خواهد داشت (صالحی، ۱۳۷۴، ۱۱).

۳. دستیابی به توسعه و ارتقاء و فناوری، گسترش مرزهای دانش و کسب موقعیت علمی مناسب کشور در سطح بین‌المللی؛ تجربیات اکثر کشورهای دارای نظام آموزش عالی مختلط نشان می‌دهد، فعالیت‌های تحقیقاتی عمده و حیاتی برای توسعه اقتصادی و حفظ موقعیت علمی کشور، در دست آموزش عالی دولتی است (صالحی، ۱۳۷۴، ۹). اهمیت راهبردی این موضوع برای جمهوری اسلامی در زمینه علم و دانش و ضرورت مبرم ارتقاء و حفظ منزلت علمی و سطح تکنولوژیک کشور در سطح بین‌المللی ایجاب می‌کند، دولت توجه ویژه به ایفای این رسالت داشته باشد. بدیهی است این امر مانع و مغایر با فعالیت بخش غیر دولتی در زمینه تحقیقات نیست ولی با این حال، سرمایه‌گذاری و کنترل دولت بر امر تحقیقات الزامی است.

۴. مشارکت مؤثر در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق

تسهیل کاربرد علم و فناوری؛ یافتن راه حل برای مسائل، بحران‌ها و معضلات اجتماعی و اقتصادی که امروزه تحت عنوان «الزام اجتماعی آموزش عالی» (نورشاهی، ۱۳۷۲، ۱۵) مطرح است و باید یکی از رسالت‌های اصلی آموزش عالی در ایران را تشکیل دهد، خود وابسته به رسالت‌های قبلی یعنی افزایش توان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز و ارائه خدمات علمی، فنی و پژوهشی به جامعه دارد.

۵. توسعه و نشر معارف و ارزش‌های اسلامی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در سطح ملی و بین‌المللی؛ این رسالت در برگیرنده رسالت‌های فرا ملی آموزش عالی در ایران است که مستقیماً در راستای اهداف انقلاب اسلامی و قانون اساسی قرار دارد و ضرورت سرمایه‌گذاری و توجه دولت بدان به روشنی پیداست.

تحول رسالت‌های آموزش عالی در سطح بین‌المللی

با توجه به نقش روزافزون و کلیدی عامل منابع انسانی در توسعه اقتصادی، اجتماعی در عصر حاضر و تحولات سیاسی، اجتماعی بنیادی دهه‌های پایانی قرن بیستم، رسالت‌های آموزش عالی برای قرن آینده به طور مستمر در مجامع علمی و بین‌المللی نظیر «یونسکو»، در دست بازنگری و تحول است. برخی ویژگی‌های شرایط جدید بین‌المللی که رسالت‌های آموزش عالی را تحت الشعاع قرار می‌دهد، عبارت‌اند از:

۱. تحول سریع علم و فناوری پیشرفته در جهان، که به حق عصر انفجار دانش لقب گرفته است؛

۲. تحول فناوری مدرن از فناوری متکی بر نیروی کار (کاربر) و متکی بر سرمایه (سرمایه‌بر) در گذشته به سمت فناوری متکی بر دانش (دانش‌بر) در قرن آینده؛

۳. تحولات عمیق در روابط بین‌المللی از قبیل جهانی شدن اقتصاد و تجارب و ایجاد قطب‌بندی‌های جدید، همراه با افزایش روزافزون شکاف بین کشورهای صنعتی و پیشرفته و کشورهای عقب افتاده؛

۴. به سر آمدن دوران رشد و تکاثر مادی و توجه جامعه فرامردن به تعالی فکری و فرهنگی انسان‌ها.
۵. توجه جامعه جهانی به مسائل مشترک حفاظت محیط زیست، حقوق بشر، جمعیت، فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، فرهنگ و ارزش‌های انسانی بومی و جهانی که امروزه تحت عنوان «توسعه پایدار» در محافل بین‌المللی مطرح است؛
۶. دانشگاه باید، علاوه بر ارائه آموزش‌های پیشرفته برای تربیت متخصصان و مدیران حرفه‌ای، با ارائه آموزش‌های مادام‌العمر و تعمیم آموزش برای همه در ارتقاء دانش عمومی و توسعه انسانی نقش اساسی داشته باشد؛
۷. رسالت دانشگاه در جامعه آینده، تربیت رهبران و شهروندانی است که قادر باشند با تحلیل و نقد کاربردهای علم و فناوری، بر مقدرات و سرنوشت خویش حاکم باشند؛
۸. دانشگاه و جامعه علمی فرهنگی به عنوان آگاه‌ترین قشر جامعه، باید با ارزیابی و تحلیل علمی و منطقی شرایط بین‌المللی و وضعیت داخلی کشور، در طراحی و پیشنهاد مناسب‌ترین فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی پیشگام باشد؛
۹. دانشگاه باید در اشاعه آزادانه افکار، دموکراسی و حقوق بشر پیشگام و عامل وحدت ملی باشد؛
۱۰. دانشگاه باید در شناسایی و حل مشکلات و معضلات اساسی جامعه نقش مؤثر داشته باشد؛
۱۱. دانشگاه باید از طریق تربیت افراد با مهارت‌های بین‌المللی و جهانی جامعه را در برقراری ارتباط و تطبیق با شرایط بین‌المللی راهبری کند؛
۱۲. دانشگاه باید نقش هدایت و رهبری جامعه را از طریق اشاعه فرهنگ و ارزش‌های اساسی، نظم اجتماعی و پرورش روحیه تبع، خلاقیت و ابتکار عهده‌دار باشد (لشکری، ۱۳۷۶، ۲۲۸).

چالش‌های بین‌المللی شدن نظام آموزش عالی

ضرورت‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی برای حفظ سرعت جهانی شدن علمی و اقتصادی، چالش‌های بسیاری را در سطوح نهادی و سیاست‌گذاری ایجاد می‌کند. در ادامه به تبیین عمده‌ترین این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

- **دسترسی به منابع گسترده و مدیریت بهینه‌ی آن:** برای این که دانشگاه‌ها در سطح جهانی حضوری معنادار و با ثبات داشته باشند، بین‌المللی شدن مستلزم دسترسی به منابع (به ویژه منابع مالی و انسانی) همراه با مدیریت بهینه منابع دارد. برای فقیرترین کشورها و یا مؤسسه‌هایی که از نظر منابع محروم هستند، فرصت‌ها برای ورود به تعهدات بین‌المللی بی‌نهایت محدود می‌شوند. به عنوان نمونه، در آفریقا تکیه بیش از حد به کمک‌های بین‌المللی برای تحقیق و سایر فعالیت‌ها، آفریقا را در سطوح بسیار پایینی قرار داده است که این مسأله موجب می‌شود که نه فقط به خواسته‌ها و اولویت‌های در حال تغییر و غیر قابل پیش‌بینی که دولت‌های کمک‌کننده مشخص می‌سازند، توجه کنند بلکه نوعی ناهماهنگی بین اولویت‌ها و نیازهای محلی و اولویت‌هایی که سرمایه‌گذاران تعیین می‌کنند، ایجاد می‌شود (تفرا، ۲۰۰۸). بنابراین، بعد مالی بین‌المللی شدن موضوع مهمی برای فعالان بخش آموزش عالی در بحران‌های مالی جهانی فعلی است. یافتن و اختصاص منابع مناسب و وظیفه‌ی مهمی برای حرکت رو به جلو در عرصه‌ی بین‌المللی شدن است.

- **پویایی برنامه‌ریزی آموزش عالی:** پویایی برنامه‌ریزی آموزش عالی، چالش مهم دیگری را ایجاد می‌کند؛ تأمین کنندگان جدید مرزهای ملی را با سهولت فراوان طی می‌کنند. بسیاری از این ابتکارات به وسیله‌ی کشور میزبان انجام می‌شود؛ مانند کشورهای قطر و سنگاپور. این برنامه‌های فراملی جدید معمولاً از ساختار کشور میزبان پیروی می‌کند که ممکن است همسو با سیستم‌های آموزشی، هنجارهای فرهنگی و یا نیازهای بازار کار کشور میزبان نباشد که این مسأله پیش می‌آید که آیا کشور میزبان ظرفیت نظارت بر کیفیت، اصول اخلاقی و شرایط برنامه‌های آموزشی تدوین شده دارد یا نه؟ این شرایط ضرورت ایجاد استانداردها، چارچوب‌ها و تکالیف بین‌المللی را بیان می‌کنند.

- نابرابری موجود در آموزش عالی: نابرابری موجود در آموزش عالی، امروز مسأله‌ی بسیار مهم دیگری در عرصه‌ی بین‌المللی شدن نظام آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه است (آلتباچ، ۲۰۰۴: ۷). دیدگاه آلتباچ مبنی بر این که "نابرابری‌های موجود در آموزش عالی تقویت می‌شوند در حالی که محدودیت‌های جدید ایجاد می‌شوند" جهانی را توصیف می‌کند که تحت تأثیر و تسلط کشورهای قدرتمند شمال و پارادایم‌های گسترده صحبت به زبان انگلیسی برای تولید دانش و تعیین ترتیبات علمی است. دانشگاه‌های سرآمد در کشورهای مرفه تأثیر غیرمتجانسی بر توسعه‌ی استانداردهای بین‌المللی برای پژوهشگری، الگوهای سرآمد مدیریت موسسات آموزش عالی و رویکردهای تدریس و یادگیری دارند. این دانشگاه‌ها از برتری نسبی و الگوهای مشهوری در بودجه‌ریزی، حفظ منابع و استعدادها برخوردارند که آن را با رویکردی مشخص به سایر دانشگاه‌ها (به خصوص به کشورهای کمتر توسعه یافته) منتقل می‌کنند (آلتباچ، ۲۰۰۴). به عنوان مثال، دانشگاه‌های آفریقایی با چالش‌های پیچیده‌ای در مرحله‌ی رویارویی با آموزش عالی جهانی دارند؛ آن‌ها باید وهله‌ی اول در جدول رنکینگ اتحادیه‌ی جهانی دانشگاه‌ها ثبت نام کنند (تفرا، ۲۰۰۸) و میزان بسیار کمی از تولید علمی جهان را داشته باشند (گیلارد و همکاران، ۲۰۰۵). با گفتمان قدرتمند سیاسی جهانی، نقش آموزش عالی در توسعه‌ی فقیرترین کشورهای جهان به شکل طولانی مدت کم‌اهمیت جلوه داده شده بود (تفرا، ۲۰۰۸).

- تسلط بر زبان انگلیسی: یک زبان یا زبان‌های خاص برای ارائه‌ی تحقیقات علمی چالش مهم دیگری برای دانشگاه‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی شدن است. مزیت متمایزی در استفاده از زبان انگلیسی وجود دارد؛ یادگیری این زبان دسترسی به اکثر تحقیقات و مطالب آموزشی در سراسر جهان را فراهم می‌کند. اما هنوز استفاده از زبان واحد دسترسی افرادی که به زبان‌های دیگر در سراسر دنیا صحبت می‌کنند را با مشکل مواجه می‌کند (آلتباچ، ۲۰۰۴). به عنوان مثال در آفریقا که در طول تاریخ تحت سلطه‌ی استعمار بوده است، ناتوانی اساتید، دانشجویان و محققان در استفاده از یک زبان دیگر خارج از زبان رسمی خود، نظام آموزش عالی این کشور را در ارائه‌ی تحقیقات علمی با مشکل مواجه کرده است (تفرا، ۲۰۰۸).

- بی‌عدالتی در تأمین فرصت‌های بین‌الملل: بزرگترین چالش برای آموزش عالی در عصر جهانی شدن، تأمین فرصت‌های بین‌الملل به صورت عادلانه و در دسترس همگان است. یکی از عوامل بین‌المللی شدن، توسعه‌ی سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات است به همین سبب، ادغام کردن فناوری مذکور در راهبردهای آموزش عالی، دسترسی به آموزش عالی را افزایش می‌دهد و بهبود کیفیت، تبادلات و همکاری‌ها و شبکه‌سازی‌های بین‌المللی در بین سایر موارد می‌توانند تغییرات و پیشرفت‌ها در آموزش عالی را کامل کنند و البته در این میان مدیریت مشارکتی مراکز آموزش عالی و همکاری دانشگاه و صنعت مسأله‌ای امیدوار کننده است (آلتباج، ۲۰۱۳).

■ نتیجه‌گیری:

امروزه در سراسر جهان شاهد دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و پژوهشی با پارادایم‌های جدید هستیم که در واقع، به سرنوشت همه انسان‌های جامعه جهانی گره خورده است. هسته مرکزی این سرنوشت‌سازی را معمولاً دانشگاه‌ها که موتور علم، پژوهش و فناوری اند رقم می‌زنند. موارد فوق توان انتظاراتی جدیدی را از دانشگاهیان در مقام نظریه پردازان، جریان سازان، جهان سازان و شتاب دهندگان علوم و برنامه‌های جدید ایجاد کرده اند. به جهان اسلام بنگریم، بصیرت‌ها و رسالت‌های جهان اسلام برگرفته از کلام وحی است که در آن خطای انسانی مشهود نیست لذا با اطمینان می‌توان بر آن تکیه کرد. افزون بر یک میلیارد مسلمان و پتانسیل‌ها و توان آنها ظرفیت‌هایی را ایجاد کرده است که می‌تواند فاصله «دانستن» ، «انجام دادن» و «شدن» را در هزاره سوم کاهش دهد. مصدر و مبدأ این ظرفیت‌سازی‌ها، دانشگاه‌ها هستند که نقش اعتلا و ارتقاء پتانسیل‌های انسانی را با عنایت به ارزشهای الهی عهده دارند. دانشگاه‌ها برای پاسخ به نیازهای جدید هزاره سوم متعهد به گسترش ظرفیت

قضاوت، خلاقیت، نوآوری، تفکر انتقادی، «سواد معنادار» و در عین حال پرورش حس نوع دوستی، همکاری و خدمت رسانی به خلق هستند.

بین‌المللی شدن یکی از مهمترین فرآیندهای جهانی آموزش عالی در دهه‌ی گذشته به حساب می‌آید. بین‌المللی شدن آموزش عالی، فرآیندی است که به عنوان راهکار و پاسخ منطقی برای چالش‌های برآمده از جهانی شدن توسط صاحب‌نظران و اندیشمندان آموزش عالی و به دنبال آن دانشگاه‌های پیشرو در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته است. بین‌المللی شدن شناسه‌ی جهانی شدن نیست، بلکه هم یک محصول و هم یک عامل در جهانی شدن است. در حوزه‌ی آموزش عالی با تمایز بین جهانی شدن و بین‌المللی شدن می‌توان اذعان داشت که جهانی شدن به عنوان یک روند خواه عمدی، خواه طبیعی شناخته می‌شود که راه خود را می‌رود و بین‌المللی شدن به عنوان یک کنش انتخابی تلقی می‌شود که چالش‌های جهانی شدن را به فرصت تلقی می‌کند. بین‌المللی شدن آموزش عالی به ایجاد جامعه‌ای علمی منتهی می‌شود که جریان پیوسته‌ی اطلاعات و انتشار سریع عقاید و افکار را تسهیل می‌کند، هم‌چنین این پدیده از طریق گسترش مبادلات دانشگاهی باعث رشد اجتماعی دانشجویان می‌شود. تولید دانش و تربیت نیروی انسانی مولد، خلاق و توانا مستلزم رویکردهای نوین به آموزش عالی در بستر جهانی شدن کنونی است. در مجموع و با عنایت به آنچه در مقاله حاضر گذشت، باید اذعان داشت: بین‌المللی شدن آموزش عالی به شکل مطلوب به عنوان پاسخی برای چالش‌های جهانی، آثار و نتایج بهینه‌ای را بر جوامع مختلف خواهد داشت لذا متولیان نظام آموزش عالی بایستی فرصت‌های پیشرو از طریق بین‌المللی شدن آموزش عالی را جدی گرفته و با برنامه‌ریزی‌های راهبردی خود از طریق تقویت همکاری‌های علمی و فناوری در عرصه‌ی بین‌المللی متناسب با بافت فرهنگی و بومی جوامع خود، جایگاه کنونی خود را بهبود بخشند تا در مسیر دست‌یابی به توسعه و پیشرفت پایدار گام بردازند.

■ منابع:

اسکات، پ. (۱۳۸۷). جهانی شدن آموزش عالی، ترجمه رضا فاضلی، تهران: انتشارت سروش.

اصفهانی، مینا، (۱۳۸۵) نقش دانشگاه در توسعه فرهنگ عمومی، همایش ملی مهندسی فرهنگ،

جاودانی، ح. (۱۳۹۲). دانشگاه‌ها و جهانی شدن؛ مفاهیم و رویکردها، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، چاپ اول.

خراسانی، ا و زمانی منش، ح. (۱۳۹۱). راهبردهای مؤثر در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، فصلنامه راهبردهای آموزش، دوره ۵، شماره ۳.

رابرتسون، ر. (۱۳۸۰). جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.

سجادی، م. (۱۳۸۲). جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن بر تعلیم و تربیت، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره‌های ۳ و ۴، صص ۱۱۳-۱۲۸.

صالحی، م. (۱۳۸۸). تعیین رسالت آموزش عالی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، مجموعه مقالات یازدهمین همایش منطقه ای، چشم‌انداز، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۳) دانشگاه به مثابه الگوی برای توسعه پایدار، تهران مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی

قورچیان، ن. ق؛ آراسته، ح. ر و جعفری، پ. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف آموزش عالی، جلد اول، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

لشکری، محمد، (۱۳۷۶).، نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۴۳.

معروفی، ی. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جهانی‌شدن آموزش و پرورش، مجموعه مقالات همایش جهانی‌شدن و تعلیم و تربیت، تهران.

نادری، ا و اسماعیل‌نیا، ن. (۱۳۹۰). بین‌المللی‌شدن آموزش و ارتقای کیفیت دانشگاهی، پنجمین همایش کیفیت در نظام دانشگاهی دانشگاه تهران، پردیس فنی.

نورشاهی، نسرین، (۱۳۷۲)، جایگاه آموزش عالی در مقایسه با ۲۶ کشور جهان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴.

Akar, H. (2010). Globalization and its Challenges for Developing Countries: The Case of Turkish Higher Education; in: Asia Pacific Education Review, Education Research Institute, Seoul: Seoul National University. <http://www.springerlink.com>.

Altbach, P & et al. (2009). Trends in Global Higher Education: Tracking an Academic Revolution, Paris: UNESCO.

Altbach, P. (2013). The International Imperative in Higher Education, Center for International Higher Education Area. Available at: www.heacademy.ac.uk.

Altbach, P. (2004). Globalization and The University: Realities In An Unequal World. Tertiary Education and Management, Vol. 10, pp. 32-3.

Altbach, P.G & Knight, J. (2007). The Internationalization of Higher Education: Motives and Realities, Journal of Studies in International Education, Vol. 11, No. 3-4, pp.290-305.

Altbach, P.G & Teichler, U. (2001). Internationalization and Exchanges in a Globalized University. Journal of Stud International Education, 5, pp.5-25.

Bostrom CA. (2009). Diffusion of Internationalization in Turkish Higher Education. *Journal of Stud International Education*, 10(5), pp. 9-12.

Bostrom, C.A. (2009). Diffusion of Internationalization in Turkish Higher Education; *J Stud Int Educ*, 10(5), pp.9-11.

De Wit, H. (2002). *Internationalization of Higher Education in The United States and Europe: A Historical, Comparative and Conceptual Analysis*. Connecticut: Greenwood Press.

Delanty, G. (2001). *Challenging Knowledge: The University in the Knowledge Society*, London, SRHE.

Ellingboe BJ. (1998). Divisional strategies to internationalize campus portrait: Results, resistance and recommendations from a case study at a U.S. university. In: Mestenhauser JA, Ellingboe BJ, editors. *Reforming the higher education curriculum: Internationalizing the campus*. Phoenix, AZ: American Council on Education and ORYX Press.

Encarta Encyclopedia. (2006). Encarta. Msn. Com.

Gaillard, J., Hassan, M & Waast, R. (2005). *Africa*. World Science Report, Paris, UNESCO, 177-201.

Group de Lisbonne. (1999). *Limits to Competitiveness: for a New World Contract*, Brussels: Labor.

Grunzweig, W & Rinehart, N. (2002). *Rockin' in Red Square: Critical Approaches to International Education in The Age of Cyber Culture*. Munster: LIT Publisher.

Kerr, C. (1990). The Internationalization of Learning and The Nationalization of The Purposes of Higher Education: Two laws of Motion in Conflict? *European Journal of Education*, 25, pp.5-22.

Knight J. (1997). Internationalization of Higher Education: A Conceptual Framework. In: Knight J, de Wit H, Editors. *Interna-*

tionalization of Higher Education in Asia Pacific Countries. Amsterdam: European Association for International Education.

Knight, J. (2004). Quality Assurance and Recognition of Qualifications in Postsecondary Education in Canada. Centre for Educational Research and Innovation and Organisation for Economic Co-operation and Development. (ESds.), Quality and Recognition in Higher Education: The Cross- Border Challenge, Paris, OECD.

Knight, J. (2006). Internationalization of Higher Education: New Directions, New Challenges. Paris: International Association of Universities.

Marginson, S. (2008). Higher Education and Globalization: Issues for Research Part II: Cross-Border Mobility, flows and The Globalization of The Academic Profession. EAIE Forum, Berlin, 29 February.

Maringe, F & Foskett, N. (2010). Globalization and Internationalization In Higher Education: Theoretical, Strategic & Management Perspectives, London, New York. Available at: www.continuum-book.com.

Matsi, S. (2005). Globalization and Heterrogenization: Cultural and Civilizational Clustering in Tele Communicative Space (1989–1999), Paper Presented at Annual Meeting of The International Communication Association, New Orleans Sheraton, New Orleans, LA, 2009-05-26.

Michael, J.M & Julian, B. (2009). The Sources of Management Innovation: When Firms Introduce New Management Practices;, Journal of Business Research.

Mulumba, M.B., Obaje, A., Kobedi, K & Kishun, R. (2008). International Student Mobility in and out of Africa: Challenges and opportunities. Higher Education in Africa: The International Dimension, Chestnut Hill, MA and Accra; Boston College Center for International Higher Education and Association of African Univer-

sities. 490-514.

Otten, M. (2003). Intercultural Learning and Diversity in Higher Education. *J Stud Int Educ.* 7, pp.12-26.

Robertson, R (1992); *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage.

Scott, P. (1998). *The Globalization of Higher Education*. Buckingham: SRHE and Open University Press.

Shailer, K. (2006). *Internationalizing The Curriculum: An Inventory of Key Issues, Model Programs and Resources*, Canada, Academic colleague, OCAD.

Stier, J. (2003). Internationalization, Ethnic Diversity and the Acquisition of Intercultural Education, 14 (1), pp.77-91.

Taggart, M.C & Cook, R.J. (2003). *Internationalization of the Curriculum*. Ottawa, ON: Canadian Bureau for International Education.

Teferra, D. (2008). *The International Dimension of Higher Education in Africa: Status, Challenges, and Prospects*. D. Teferra and J. Knight (Eds.), *Higher Education in Africa: The International Dimension*, Chestnut Hill, MA and Accra; Boston College Center for International Higher Education and Association of African Universities, pp. 44-79.

Tremblay, K. (2005). Academic Mobility and Immigration. *Journal of Stud International Education*, 9, pp.196-228.